فصلنامه تحقیقات جدید در علوم انسانی (دوره جدید)

شماره ۳۷،
دوره هفتم،
سال چهارم،
پاییز ۱۴۰۱،
صص ۱-۱۳

اثربخشی خانواده درمانی سیستمی بوئن بر سبک‌های دلبستگی و باورهای غیرمنطقی زنان مواجه شده با خیانت همسر

عاطفه ملک‌لو[۱]

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی اثربخشی خانواده درمانی سیستمی بوئن بر سبک‌های دلبستگی و باورهای غیرمنطقی در زنان آسیب‌دیده از خیانت همسر شهر تهران در سال ۱۴۰۱ انجام شد. روش پژوهش حاضر نیمه آزمایشی است و برای جمع‌آوری داده‌ها از طرح پیش‌آزمون-پس آزمون با گروه کنترل استفاده شده است. جامعه‌آماری پژوهش را کلیه زنان مواجه شده با خیانت همسر که به مراکز مشاوره منطقه ۷ شهر تهران مراجعه نمودند تشکیل دادند که از بین آن‌ها، ۳۰ نفر به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب و به‌طور تصادفی در گروه آزمایش (هر گروه ۱۵ نفر) و کنترل (۱۵ نفر) گمارده شدند. گروه آزمایش خانواده درمانی سیستمی بوئن ۸ جلسه ۹۰ دقیقه‌ای تحت آموزش قرار گرفتند و گروه کنترل در لیست انتظار ماندند. ابزارهای مورد استفاده در پژوهش حاضر شامل پرسشنامه سبک‌های دلبستگی (کولینز و رید، ۱۹۹۰) و پرسشنامه باورهای غیرمنطقی (جونز، ۱۹۶۹) بودند که در دو مرحله پیش‌آزمون و پس‌آزمون مورد استفاده قرار گرفتند. تجزیه‌وتحلیل اطلاعات به‌دست‌آمده از اجرای پرسشنامه از طریق نرم‌افزار spss24 در دو بخش توصیفی و استنباطی (تحلیل کوواریانس) انجام گرفت. یافته‌ها نشان داد نمره سبک دلبستگی ایمن افراد گروه آزمایش افزایش معنادار ۴۸ درصدی نسبت به گروه کنترل داشته است و در سبک‌های ناایمن/دوسوگرا و اجتنابی کاهش معناداری یافته است که به ترتیب با تاثیر ۱۵ درصد و با تاثیر ۱۲ درصد می‌باشد. همچنین نتایج نشان داد که خانواده درمانی سیستمی بوئن باعث بهبود باعث بهبود در درماندگی نسبت به تغییر، توقع تایید از دیگران، اجتناب از مشکل و بی‌مسئولیتی هیجانی زنان مواجه شده با خیانت همسر شده است. این نتایج می‌تواند پشتوانه‌ای برای بکارگیری روش مشاوره سیستمی بوئن در کاهش باورهای غیرمنطقی و افزایش میزان دلبستگی ایمن در زنان مواجه شده با خیانت همسر باشد تا بدین وسیله علاوه بر مانع شدن از فروپاشی بنیان خانواده، باعث بهبود روابط زناشویی شد.

واژگان کلیدی: سبک‌های دلبستگی، باورهای غیرمنطقی، خانواده درمانی سیستمی بوئن، خیانت

۱ کارشناسی ارشد مشاوره، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران جنوب، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-17]

مقدمه

خیانت زناشویی مسئله‌ای تکان‌دهنده برای زوجین و خانواده‌ها و پدیده‌ای رایج برای مشاورین و درمانگران است (کارگر خرم‌آبادی، خدابخش و کیانی، ۱۳۹۵). روابط فرا زناشویی، آشفتگی‌های زیادی را برای زوجین به وجود می‌آورد. نتایج پژوهش‌ها نشان می‌دهد، اکثر افراد انتظار تک‌همسری و پرهیز از روابط فرا زناشویی را از همسران خود دارند (کروچ و دیکز[1]، ۲۰۱٦). وقتی همسر فردی نسبت به او خیانت می‌کند فرد بر سر دوراهی است؛ از سویی جدایی موجب تخریب خانواده و از دست دادن همسری می‌شود که شاید هنوز دوستش دارد و رفع اختلافات به معنای این است که هنوز باید با زخم‌های خیانت زندگی کند و خطر رخ دادن خیانتی دیگر را بپذیرد (ویت ولیت، هافلیج مهر، هینمن و نول[2]، ۲۰۱۵). در مطالعات اخیر با نمونه‌های انتخابی وسیع تقریباً ۲۲ تا ۲۵ درصد مردان و ۱۱ تا ۱۵ درصد زنان در ایالات‌متحده آمریکا گزارش دادند که حداقل یک‌بار خارج از چارچوب زناشویی‌شان رابطه جنسی داشته‌اند. بین ۱/۵ تا ٤ درصد از افراد متأهل سالانه به رابطه جنسی خارج از چارچوب زناشویی اقدام می‌کنند و در طی یک سال گذشته، مردان در مقایسه با زنان دو برابر به رابطه جنسی نامشروع می‌پردازند (هریس[3]، ۲۰۱۸). بعد از کشف خیانت همسر، افراد هیجانات شدیدی مثل انکار، خشم، عصبانیت و افسردگی نشان می‌دهند. زنانی که استرس خیانت همسر را تجربه می‌کنند ٦ بار بیشتر احتمال دارد که دچار افسردگی ماژور شوند تا زمانی که این نوع استرس را تجربه نمی‌کنند (داویس، نوروزی، قنگولی، نامرکاوا، تاپر و لینر[4]، ۲۰۲۱). خیانت زناشویی همچنین باعث بروز احساس تردید و تخریب باورهای ارتباطی می‌گردد (اوکه[5]، ۲۰۱۸). ازنظر آیدلسون و اپستاین[6] (۱۹۸۲)، باورهای تخریب‌کنندگی به معنای عدم پذیرش اختلاف‌نظرها و تفسیر منفی و ناراحت‌کننده از اختلاف‌ها می‌باشد. باور به عدم تغییرپذیری همسر به معنای عدم قابلیت همسر در تغییر رفتارها و انتظار اینکه رفتارهای موردنظر در آینده نیز تکرار خواهند شد (جوزفس[7]، ۲۰۱۸). تحقیقات مختلف نشان داده‌اند که یکی از مهم‌ترین عوامل مشکل‌ساز، اختلال در ارتباط یا به عبارتی اختلال در فرایند تفهیم و تفاهم است. به‌عنوان‌مثال در گزارشی که توسط یک آژانس مشاوره خانواده در سال ۱۹۷۰ تهیه‌شده است ۸۷ درصد زوج‌های شرکت‌کننده در پژوهش نشان دادند که مشکل اصلی آن‌ها پیامدهای منفی بعد از شکست است (میعادی، ۱۳۹٤).

شواهد بسیار واضحی وجود دارد که زوجین در جامعه معاصر ما مشکلات شدید و فراگیری را هنگام برقراری روابط عاشقانه و صمیمی تجربه می‌کنند، یکی از این مشکلات سبک های دلبستگی است. مک کارتی و تیلور[8] (۲۰۱۵) گزارش کردند که کیفیت مراقبت دهی، شکل گرفته توسط مدل دلبستگی، رفتار والدین نسبت به فرزندشان را هدایت می کند.

1 - Crouch & Dickes
2 - Witvliet, Hofelich Mohr, Hinman & Knoll
3 - Harris
4 - Davies, Nouruzi, Ganguli, Namekawa, Thaper & Linder
5 - Oke
6 - Idelson & Epstein
7 - Josephs
8 - McCarthy & Taylor

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-17]

سبک دلبستگی، فرایندهایی را که طی آن پیوند بین فرد و خانواده شکل می گیرد، توصیف می کند. سبک های دلبستگی به مدل های درون کاری برآمده از پیوندهای عمیق عاطفی کودک–مادر گفته می شود که شکل پاسخ های رفتاری افراد به جدایی نگاره های دلبستگی و پیوند مجدد با این نگاره ها را تعیین می کنند. این سبک ها به سه دسته ایمن، اجتنابی و دوسوگرا تقسیم می شوند (هاکینگ، سایمون و سورت[1]، ۲۰۱۶). افراد در طول رشد مجموعه ای از شواهد ذهنی برای موفقیت خود به واسطه مجاورت کافی با نگاره های دلبستگی را به عنوان مدل های درون کاری ثبت و ضبط می کنند (سیمپسون و رولز[2]، ۲۰۱۷). پژوهش ها نشان داده اند که افراد با سبک دلبستگی ایمن، سطوح پایین تری از عواطف منفی را تجربه می کنند و روابط مستحکمی را با کسانی برقرار می سازند که هنگام درماندگی هیجانی، برای دریافت حمایت مراجعه می کنند. افراد با سبک دلبستگی ناایمن، در مقایسه با ایمن ها، سطوح پایین تری از عواطف مثبت را تجربه می کنند و در مدیریت استرس، اضطراب و سایر عواطف منفی، ناتوانی نشان می دهند (آلزر، میچالیدو، مونوت و کیرانیدس[3]، ۲۰۱۹). لیختنشتاین، نیلسن، گودکس، هاینز و جورگنسن[4](۲۰۱۸)، در پژوهش خود به این نتایج دست یافتند که افراد دارای سبک های ایمن، اجتنابی و دوسوگرا برای تنظیم عواطف و پردازش اطلاعات هیجانی از راهبردهای کاملا متفاوتی استفاده می کنند که این راهبردها به نوبه خود مسئولیت پذیری را افزایش یا کاهش می دهد.

باورهای غیرمنطقی هم علت اصلی بسیاری از اختلافات اجتماعی، به ویژه روابط زوجین است (چان و سان[5]، ۲۰۲۱). در مورد اختلافات زناشویی و خانوادگی اعتقاد بر این است که ریشه مشکلات از باورهای غیرمنطقی یک یا هر دو زوج نشات می گیرد. روابط زناشویی و خانوادگی آشفته بیشتر از این که تحت تاثیر مسائل موجود میان اعضای خانواده باشد، تحت تاثیر ادراکات و تصوراتی است که اعضای خانواده نسبت به رویدادها و مسائل دارند (کریسیدیس، تورنر و وود[6]، ۲۰۲۰). به اعتقاد آنها هیچ رویدادی ذاتا نمی تواند در انسان ایجاد آشفتگی روانی کند، زیرا تمام محرک ها و رویدادها در ذهن معنا و تفسیر می شوند و بر این اساس، سازش نایافتگی ها و مشکلات هیجانی در واقع ناشی از نحوه تعبیر، تفسیر و پردازش اطلاعات حاصل از محرک ها و رویدادهایی هستند که افکار و باورهای ناکارآمد و غیرمنطقی در زیربنای آنها قرار دارند. باورهای غیرمنطقی غالبا به عنوان یک اصطلاح حفاظتی مورد استفاده قرار می گیرد که انواع مختلفی از ساختارهای روان شناختی، از تعصبات شناختی خاص تا طبقه گسترده تری از باورهای مشکوک معرفت شناختی (خرافات، باورهای ماوراءالطبیعه و شبه علمی، نظریه های توطئه و غیره) را شامل می شود (زیزلج و لزاروچ[7]، ۲۰۱۹). هسته اصلی باورهای غیرمنطقی را شناخت های مرکزی مطلق گرایانه ایجاد می کنند که عبارت اند از: ارزیابی مطلق گرایانه و سفت و سخت افراد در ارتباط با وقایع ادراکی، باورهای فاجعه آمیز، تحمل نکردن ناامیدی، کم ارزش شماری و ارزیابی کلی

1 - Hocking, Simons & Surette
2 - Simpson & Rholes
3 - Alzeer, Michailidou, Munot & Kyranides
4 - Lichtenstein, Nielsen, Gudex, Hinze & Jørgensen
5 - Chan & Sun
6 - Chrysidis, Turner & Wood
7 - Žeželj & Lazarević

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-17]

(بوسچمن، هورن، بلنکنشیپ، گارسیا و بوهان[1]، ۲۰۱۸). الیس (۱۹۸۹) بر نقش عوامل شناختی در روابط زناشویی پریشان تاکید کرده است. به نظر او علت اختلال در ازدواج، انتظار غیرواقعی است که همسران نه تنها نسبت به خود و دیگران، بلکه در مورد روابط زناشویی نیز دارند. در واقع باورهای غیرمنطقی یعنی انتظارات غیرواقعی و نگرش های متناقض درباره خود، دیگران و روابط آنها. این باورهای تحریف شده غالبا پایه اختلاف نظر در روابط هستند و باعث شکل گیری الگوی تفکر معیوب می شوند (بالکیس و دورو[2]، ۲۰۱۹)

افزایش طلاق و نارضایتی زناشویی از یک سو و تقاضای همسران برای پرباری و بهبود روابط زناشویی از سوی دیگر، نشان دهنده نیاز همسران به مداخله ها و آموزش های تخصصی در این زمینه است (حقانی، عابدی، فاتح زاده و آقایی، ۲۰۱۹). پژوهشگران به منظور بهبود روابط زناشویی از رویکردهای متعددی نظیر مداخله شناختی رفتاری و آموزش شیوه های حل مساله هیجان محور و راه حل محور (کارخانه، فرهنگ، جزایری، سیمانی، بهرامی و فاتح زاده، ۲۰۱۶) و رویکردهای متعدد دیگری جهت درمان مشکلات خانواده و زوج ها ارائه شده است. یکی از روش های مشاوره ای پرکاربرد در این زمینه، روش خانواده درمانی سیستمی بوئنی است. اساس خانواده درمانی سیستمی بوئنی بر متعادل سازی احساس با هم بودن و تفکیک است و زیربنا و پایه این نظریه بر اساس مفهوم تفرد است. از نظر بوئن نوعی نظام عاطفی بر ساختار خانواده حاکم است که قابلیت انتقال بین نسلی دارد و سلامت روانی فرد در گروه تفکیک و جدایی وی از این نظام است (بوئن[3]، ۱۹۷۸). زیربنای نظریه همه این مفاهیم آن است که تصور می شود همیشه نوعی اضطراب مزمن در زندگی وجود دارد. این اضطراب مزمن بخش اجتناب ناپذیری از طبیعت به شمار می آید، هر چند امکان دارد به شیوه ای متفاوت و به درجات مختلف، بسته به موقعیت خاص خانواده و ملاحظات فرهنگی متعدد، خود را متجلی سازد، پدیده ای زیستی که اعتقاد بوئن وجه مشترک انسان با تمامی صورت های دیگر زندگی است. به نظر او، اضطراب مزمن از طریق نسل های قبل، که تاثیر و نفوذشان کماکان در حال حاضر وجود دارد، منتقل می شود، بدین شکل که خانواده دائما در حال کشمکش بر سر متعادل سازی میان احساس با هم بودن و وحدت و تفکیک خود در اعضاست (گلدنبرگ و گلدنبرگ[4]، ۲۰۱۳). نظریه بوئن نقش مهمی در زمینه رشد و نظری و کار بالینی خانواده مشاوره ای داشته است. در خصوص اثربخشی این درمان بر رفتارهای کنترل گرایانه و احساس انسجام به طور مستقیم پژوهشی انجام نشده ولی (مجرد، قمری گیوی و کیانی، ۲۰۱۹؛ یکتاطالب، صدیق اسکویی و سودانی، ۲۰۱۷؛ مسینا، کولبرت، بوندیک، کروترز و استرانو[5]، ۲۰۱۸؛ نیلاب، قنبری هاشم آبادی و کیمیایی، ۲۰۱۹؛ هیلی و آلن[6]، ۲۰۲۰) در پژوهش های مشابه، اثربخشی این روش را بر متغیرهای مختلف روان شناختی در حوزه خانواده نشان داده اند.

با توجه به این‌که زنان مواجه شده با خیانت های همسر با مشکلات و آسیب‌های روانی، اجتماعی و عاطفی بسیاری

1 - Buschmann, Horn, Blankenship, Garcia & Bohan
2 - Balkis & Duru
3 - Bowen
4 - Goldenberg & Goldenberg
5 - Messina, Kolbert, Bundick, Crothers & Strano
6 - Healy & Allen

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-17]

روبه‌رو هستند که مجموع این فشارها موجبات تنش در ابعاد گوناگون را فراهم می‌آورد، تنظیم هیجان‌ها و باورها و افکار و روابط بین شخصی آن‌ها با مشکل مواجه می‌گردد. شایان‌ذکر است مشاوره سیستمی بوئن می‌تواند در جهت کاهش مشکلات این زنان بسیار مؤثر واقع گردد زیرا این رویکرد درمانی باعث آرام‌سازی و کاهش تنش‌های ناشی از مشکلات می‌گردد؛ بنابراین با فراهم نمودن شرایط مناسب می‌توان تنش ناشی از مشکلات را کنترل نمود و در ابعاد مختلف بر توانمندی‌های درونی مثبت آن‌ها اثر گذاشت و میزان قدرت تحمل و سازگاری فرد در برخورد با مشکلات را تقویت نمود. درنهایت می‌تواند عملکرد مفید و روابط بین فردی را در آن‌ها تقویت و هیجانات عاطفی این زنان را تنظیم کرد. پژوهش‌های صورت گرفته در این زمینه مؤید این نظر است که رویکرد درمانی اثربخش بر مشکلات زنان مواجه شده با خیانت های همسر می‌تواند اثرات مفیدی بر احساس انسجام این زوجین در جامعه ایجاد کند لذا تحقیق در این راستا مهم و ضروری تلقی می‌گردد؛ بنابراین در پژوهش حاضر این مسئله مدنظر است که آیا مشاوره سیستمی بوئن به شیوه گروهی بر سبک های دلبستگی و باورهای غیرمنطقی زنان مواجه شده با خیانت همسر موثر است؟

روش

روش مورد استفاده در این پژوهش برحسب هدف کاربردی و از نظر گردآوری داده‌ها از نوع نیمه آزمایشی با طرح پیش‌آزمون-پس‌آزمون با گروه کنترل و گمارش تصادفی آزمودنی‌ها بود. جامعه آماری پژوهش حاضر، کلیه خانم‌های داوطلبی بودند که به فراخوان اعلام‌شده پاسخ داده و ثبت‌نام نمودند. این خانم‌ها به دلیل تعارضات زناشویی، مشکلات مربوط به رضایت و نیاز به بهبود روابط زناشویی به مراکز مشاوره منطقه ۷ شهر تهران در سال ۱۴۰۱ مراجعه نمودند و خواستار دریافت خدمات مشاوره‌ای بودند. نمونه پژوهش حاضر شامل ۳۰ خانم بود. روش نمونه‌گیری غیر تصادفی از نوع در دسترس بود. چون پژوهش از نوع مداخله‌ای بود، حداقل نمونه در هر یک از گروه‌ها ۱۵ نفر در نظر گرفته شد (خدایاری فرد و همکاران، ۲۰۰۲). به‌این‌ترتیب که برای انتخاب نمونه ابتدا اطلاعیه تشکیل جلسات و شرایط ثبت‌نام اولیه به اطلاع مراجعین و همکاران مشاور در مراکز مشاوره منطقه ۷ رسانده شد. پس از ثبت‌نام متقاضیان از بین ۱۰۵ مراجعه کننده، از طریق مصاحبه مقدماتی خانم‌های واجد شرایط انتخاب شدند، سپس از بین ۷۳ خانم متقاضی دارای شرایط پژوهش (طبق شرایط ورودی و غربالگری از طریق پرسشنامه های پژوهش صورت گرفت)، ۳۰ خانم بر اساس مصاحبه‌های تشخیصی صورت گرفته و با روش تصادفی و بر اساس معیارهای ورود و خروج از پژوهش در یک گروه مداخله و یک گروه کنترل قرار گرفت. گروه آزمایش به صورت گروهی شرکت کردند و فنون و روش‌های درمان مشاوره سیستمی بوئن ۸ جلسه ۹۰ دقیقه ای به‌صورت گام‌به‌گام و از طریق تکالیف هفتگی و تمرینات منظم توسط پژوهشگر ارائه شد. علاوه بر این خانم‌های جامعه آماری شرایط زیر را داشتند: (شرایط ورود به مطالعه) وجود تعارضات و مشکلات مربوط به رضایت در روابط زوجی آن‌ها، مواجه‌شدن باخیانت اینترنتی همسر (شامل گفتگو و تبادل تصاویر و مشخصات همسر با فرد دیگری که همسر قانونی وی نبود. از طریق اینترنت و چت و پیام که محتوای گفتگوها و تبادل تصاویر و مشخصات عموماً در رابطه با مسائل جنسی و صمیمانه) بود، مایل به ادامه رابطه زناشویی با همسر خود، عدم مراجعه به مراجع قانونی و دادگاه جهت شکایت یا جدایی، عدم آگاهی همسر از اینکه وی متوجه روابط پنهانی او شده است و ادامه

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-17]

روال عادی زندگی، عدم دریافت درمان‌های روان‌شناختی تا قبل از جلسات گروه‌درمانی یا در حین جلسات گروه‌درمانی، علاقه به شرکت در جلسات آموزشی و متعهد شدن به حضور در تمام جلسات آموزشی درمانی (به‌صورت فردی)، نداشتن اعتیاد و مشکلات روانی حاد، داشتن تحصیلات حداقل دیپلم، میانگین سنی ۲۵ تا ٤۰ سال و با مدت ازدواج ۲ تا ۱۰ سال. شرایط خروج از مطالعه: وجود اختلالات روان‌شناختی یا سابقه بیماری روانی و بستری (طبق مصاحبه اولیه که انجام شد).

ابزارهای پژوهش:

پرسشنامه باورهای غیرمنطقی جونز (۱۹٦۹): پرسشنامه باورهای غیرمنطقی جونز ٤۰ ماده ای در سال ۱۹٦۹ توسط جونز و بر اساس نظریه الیس(۱۹٦۲) طراحی شد. این پرسشنامه یکی از پر استفاده ترین ابزارهای اندازه گیری باورهای غیرمنطقی در جهان است. در اصل، این پرسشنامه انواع تفکرات غیرمنطقی را مورد سنجش قرار میدهد. نسخه اصلی آن ۱۰۰ سوال بسته را شامل میشود که از ۱۰ عامل تشکیل شده و هر عامل یک نوع تفکر غیرمنطقی را بررسی میکند. این ده عامل عبارتند از: توقع تایید از دیگران، انتظارات بیش از حد از خود، سرزنش کردن خود و دیگران، واکنش به درماندگی همراه با ناکامی، بی مسئولیتی هیجانی، توجه مضطربانه، اجتناب از مشکل، وابستگی، درماندگی در برابر تغییر، کمالگرایی. فرم کوتاه این آزمون در ایران توسط عبادی و معتمدین (۱۳۸٤) طراحی گردید. آنها پس از تحلیل پاسخنامه های آزمودنیها، ٦۰ ماده از ۱۰۰ ماده آزمون را حذف کردند و یک ساختار چهار عاملی به دست آوردند. این چهار عامل عبارت بودند از: درماندگی در برابر تغییر، توقع تایید از دیگران، اجتناب از مشکل، بی مسئولیتی هیجانی. برای نمره گذاری این پرسشنامه از طیف لیکرت پنج تایی (کاملاً مخالفم: ۱، تاحدی مخالفم: ۲، نه مخالف و نه موافقم: ۳ ، تاحدی موافقم: ٤، کاملاً موافقم: ۵) استفاده می شود. این پرسشنامه دارای چهار زیرمقیاس درماندگی نسبت به تغییر (سوالات ۱ تا ۱۵)، توقع تایید از دیگران (سوالات ۱٦ تا ۲۵)، اجتناب از مشکل (سوالات ۲٦ تا ۳۰) و بی مسئولیتی هیجانی (سوالات ۳۱ تا ٤۰) است. جونز (۱۹٦۸) همسانی درونی ۱۰ عامل آزمون باورهای غیرمنطقی را بین ۰/٤۵ تا ۰/۷۲ ضریب آزمون بازآزمون را معادل۰/۹۲ و روایی همزمان آن را با مشکلات روانپزشکی ۰/٦۱ گزارش کرده است. نیلسن و هوران (۱۹۹٦) و سلیمانیان (۱۳۷۳) پایایی آزمون باروهای غیرمنطقی را با استفاده از آلفای کرنباخ به ترتیب برابر با ۰/۸۱ و ۰/۷۰ از طریق تنصیف ۰/۸۵ و ۰/۷۳ گزارش کرده اند. برای سنجش پایایی آزمون و همسانی درونی عاملهای استخراج شده، عبادی و معتمد (۱۳۸٤) برای نسخه ٤۰ ماده ای این پرسشنامه از ضریب آلفای کرنباخ و دو نیمه سازی استفاده کردند. ضریب آلفای کرنباخ کلی این آزمون برابر با ۰/۷۵ دست آمد. و برای عامل های درماندگی در برابر تغییر ۰/۸۰، توقع تایید از دیگران ۰/۸۲، ، اجتناب از مشکل ۰/۷۳ و بی مسئولیتی هیجانی ۰/۷۵ بدست آمد. همچنین پایایی از روش دو نیمه سازی برای کل آزمون ۰/۷٦ و برای عامل ها به ترتیب ۰/۸۲، ۰/۸٤، ۰/۷٤ و ۰/۷۲ دست آمد. روایی سازهای این پرسشنامه در پژوهش عبادی و معتمد در حد مطلوب گزارش شد. آنها همچنین از روایی همگرا نیز استفاده نمودند. روایی همگرای این آزمون با فرم بلند ۱۰۰ سوالی در حدود ۰/۸۷ گزارش شد.

پرسشنامه سبک های دلبستگی کولینز و رید (۱۹۹۰): این مقیاس شامل خودارزیابی ایجاد روابط و خود وصفی شیوه شکل دهی روابط دلبستگی، نسبت به نمادهای دلبستگی نزدیک است و ۱۸ ماده دادر که از طریق علامت گذاری روی

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-17]

یک مقیاس ۵ درجه ای از نوع لیکرت (از به هیچ وجه با خصوصیات من مطابقت ندارد نمره ۱ تا با خصوصیات من کاملات مطابقت دارد نمره ۵، تشکیل شده است) سنجیده می شود. هر خرده مقیاس متشکل از ٦ ماده و عبارت از دلبستگی ایمن، دلبستگی اجتنابی و دلبستگی دو سوگرا می باشد (بالبی، ۱۹۸۹). پژوهش های متعدد پایایی قابل قبولی را برای این مقیاس با استفاده از شیوه آزمون مجدد به دست داده اند، به طو مثال، ثبات آزمون مجدد ۰/۷ برآورد شده است. در پژوهش دیگری به منظور محاسبه اعتبار آزمون سبک های دلبستگی، ضریب آلفای کرونباخ برای هر یک از سبک های دلبستگی محاسبه شد و نتایج برای سبک ایمن (۰/٦۲)، برای سبک اجتنابی (۰/٥٤) و برای سبک دو سوگرا (۰/۸۲) به دست آمد (حسن زاده بشتیبان، ۱۳۸٤). این پرسشنامه در پژوهش حاضر برای سنجش سبک دلبستگی شرکت کنندگان استفاده گردید. میزان آلفای کرونباخ پرسشنامه در پژوهش حاضر ۰/۸۹ به دست آمد.

جدول ۱. خلاصه جلسات خانواده درمانی سیستمی بوئن

جلسات	اهداف و روند جلسات
اول	معارفه و آشنایی اعضا با یکدیگر و رهبر گروه، بیان اهداف گروه، ذکر منشور مشاوره گروهی و گرفتن تعهد از اعضا
دوم	ارزیابی خانواده، ترسیم ژنوگرام و بررسی الگوهای آن ها
سوم	آشنایی و کار روی مفهوم احساس انسجام و رفتارهای کنترل گرایانه، توضیح در مورد جدایی افکار از احساس و جدایی فرد از خانواده و ارزیابی افراد در این خصوص
چهارم	آشنا کردن اعضا با مفهوم هم وابستگی و چگونگی بهبود در آن
پنجم	آشنایی اعضا با مفاهیم مثلث سازی و نظام عاطفی خانواده هسته ای و تاثیر آنها در ایجاد و تداو مشکل
ششم	آشنایی اعضا با مفاهیم فرایند فرافکنی خانوادگی، گسلش عاطفی و تاثیر آنها در مشکلات خانواده
هفتم	آشنایی اعضا با جایگاه هم شیرها و فرایند انتقال چند نسلی
هشتم	مروری بر تمامی جلسات و راهبردهای نهایی برای بهبود وضعیت و اجرای پس آزمون

تجزیه و تحلیل اطلاعات به دست آمده از اجرای پرسشنامه ها از طریق نرم افزار spss24 در دو بخش توصیفی و استنباطی (تحلیل کوواریانس) انجام پذیرفت.

یافته ها

جهت انجام تحلیل کوواریانس محقق این پیش فرض ها را بررسی کرد که همگی محقق شدند. ۱. طبیعی بودن توزیع نمرات ۲. همگونی واریانس ها که با آزمون لوین و باکس این پیش فرض بررسی شد ۳. پایا بودن: متغیر کنترل، یعنی آزمونی که به عنوان همپراش انجام می شود باید پایا باشد و متناسب با موضوع پژوهش و طرح باشد ٤. اجرای همپراش قبل از شروع تحقیق ٥. همبستگی متعارف همپراش ها با یکدیگر: اگر تحقیق شامل دو یا چند همپراش باشد همبستگی همه همپراش ها با یکدیگر نباید بزرگ باشد ٦. همگونی شیب رگرسیون: مقدار F تعامل بین متغیر همپراش و مستقل

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-17]

محاسبه شد و شاخص معنادار نبود ۷. خطی بودن همبستگی متغیر همپراش و متغیر مستقل: برای اثبات این امر مقدار F متغیر همپراش پس از محاسبه معنادار شد.

جدول ۲. نتایج آنالیز کوواریانس چندمتغیره در بررسی اثر خانواده درمانی سیستمی بوئن بر زیرمولفه های باورهای غیرمنطقی با کنترل پیش آزمون

نام آزمون	مقدار	آماره F	dfفرضیه	dfخطا	سطح معناداری	ضریب اتا	توان
اثر پیلایی	۰.۷٤	۳.۱۹	٤	۲۳	۰.۰٤۲	۰.۷٤	۰.۸۷
لامبدای ویلکس	۰.۲۸	۳.٤۳	٤	۲۳	۰.۰٤۲	۰.۷٤	۰.۸۷
اثر هتلینگ	۲.٦٥	۳.۱۷	٤	۲۳	۰.۰٤۲	۰.۷٤	۰.۸۷
بزرگترین ریشه روی	۲.٦٥	۳.۱۷	٤	۲۳	۰.۰٤۲	۰.۷٤	۰.۸۷

با توجه به جدول ۲ مشاهده می‌شود سطوح معناداری همه آزمون‌ها کمتر از ۰/۰۵ است که بیانگر این است که دو گروه آزمایش و گواه حداقل در یکی از مؤلفه‌های باورهای غیرمنطقی، با هم تفاوت معناداری داشته‌اند. برای مشخص شدن این نکته که از نظر کدام مؤلفه بین دو گروه اختلاف وجود دارد از تحلیل واریانس تک متغیره در متن مانکووا استفاده می‌شود که نتایج آن برای تک تک متغیرها بصورت زیر می باشد:

جدول ۳. نتایج تحلیل واریانس تک متغیره در متن مانکووا روی مؤلفه های باورهای غیرمنطقی گروه های آزمایش و گواه

متغیر	میانگین مجذورات	درجه آزادی	آماره F	سطح معناداری	ضریب اتا	توان آماری
درماندگی نسبت به تغییر	۸٦.۲٥	۱	۳٦.۲۱	۰.۰۰۱	۰.٤۸	۰.۹۲
توقع تایید از دیگران	٤٤.۹۲	۱	۲۲.۷۳	۰.۰۰۱	۰.٥۳	۰.۹٦
اجتناب از مشکل	۳۸.٤۲	۱	۱۳.۷٥	۰.۰۳۸	۰.۳٦	۰.۸٤
بی مسئولیتی هیجانی	٥۰.٦۱	۱	۲۷.٤۲	۰.۰۰۲	۰.٤٤	۰.۸۸

با توجه به جدول ۳ مشاهده می‌شود اثر خانواده درمانی سیستمی بوئن بر همه زیرمولفه‌های باورهای غیرمنطقی (درماندگی نسبت به تغییر، توقع تایید از دیگران، اجتناب از مشکل و بی مسئولیتی هیجانی) در سطح ۰/۰۵ معنادار بوده است. به عبارت دیگر خانواده درمانی سیستمی بوئن باعث بهبود در درماندگی نسبت به تغییر، توقع تایید از دیگران، اجتناب از مشکل و بی مسئولیتی هیجانی زنان مواجه شده با خیانت همسر شده است.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-17]

جدول ٤. تحلیل کوواریانس مربوط به تاثیر خانواده درمانی سیستمی بوئن بر سبک های دلبستگی زنان مواجه شده با خیانت همسر

منابع تغییرات	متغیرها	df	f	ضریب تاثیر	توان آماری
پیش آزمون	ناایمن/دوسوگرا	۱	۲٤/۱۸۰	۰/٦٥۷	۰/۰۰۱
پیش آزمون	اجتنابی	۱	۱۷/۱٥٦	۰/٦٥۳	۰/۰۰۱
پیش آزمون	ایمن	۱	۱٦۹/۹۲۸	۰/۷۹۱	۰/۰۰۱
گروه	ناایمن/دوسوگرا	۱	۱۸/٦٥۸	۰/۱٥٤	۰/۰۰۱
گروه	اجتنابی	۱	۱٦/۳۹۱	۰/۱۲۷	۰/۰۰۱
گروه	ایمن	۱	٤۱/۹۸۸	۰/٤۸۳	۰/۰۰۱

همان طور که در نتایج حاصل از کوواریانس جدول ٤ مشاهده می شود نمره سبک دلبستگی ایمن افراد گروه آزمایش افزایش معنادار ٤۸ درصدی نسبت به گروه گواه داشته است و در سبک های ناایمن/دوسوگرا و اجتنابی کاهش معناداری یافته است که به ترتیب با تاثیر ۱٥ درصد و با تاثیر ۱۲ درصد می باشد.

بحث و نتیجه گیری

پژوهش حاضر با هدف اثربخشی مشاوره سیستمی بوئن بر سبک های دلبستگی و باورهای غیرمنطقی در زنان آسیب دیده از خیانت همسر انجام شد. نتایج نشان داد که مشاوره سیستمی بوئن باعث بهبود سبک های دلبستگی در زنان آسیب دیده از خیانت همسر شده است. نتایج پژوهش با یافته های (مجرد و همکاران، ۲۰۱۹؛ یکتاطالب و همکاران، ۲۰۱۷؛ مسینا و همکاران، ۲۰۱۸) همسویی دارند. در تبیین نتایج بدست آمده می توان چنین بیان کرد که این درمان موجب می شود زنان به نقطه نظرات همسر خود توجه بالایی کنند و به این نکته به عنوان وسیله ای برای پایا نگه داشتن و جلوگیری از سردی روابط و در نهایت افزایش کیفیت روابط و به طبع آن کاهش اختلافات زناشویی خواهد شد. همچنین، اعتقاد بر آن است که این درمان باعث می شود تا زوج ها به تدریج واکنش های متفاوت تری با افزایش بینش طرفین نسبت به خود، یکدیگر و رابطه ارائه دهند و باعث تسریع پردازش بین فردی باعث کاهش رفتارهای کنترل گرایانه و افزایش همکاری شفاف تر و خود به خودی تر در رابطه آنها می شود و پردازش زوجین از موقعیت ها را آرام تر می کند و با تمایلات خود محورانه برای در نظر گرفتن رابطه بر حسب منافع شخصی مقابله می کند. زنانی که تا دیروز فکر می کردند، مشکل آنها پیچیده و وحشتناک است و راهی به جز طلاق ندارند، اکنون با شرکت در جلسات درمانی امیدوار شده و متوجه خواهند شد که توانایی های لازم برای حل مشکل خویش را دارند. علاوه بر این، با اجرای فنونی چون اتخاذ دیدگاه و اجتناب، زنان متوجه خواهد شد که اگر قادرند تعارض را ایجاد کنند به همان صورت قادرند آن را متوقف کنند و راه حل های مختلفی برای حل تعارضات خود استفاده می کنند. در جلسات درمانی زنان با استفاده از فنون تغییر جهت گیری از انتقاد و شکایت

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-17]

به سوی مشارکت فعال و رسیدن به رابطه ایده آل به بحث و گفت و گو درباره مشکل تشویق شدند و با بهبود ارتباط بین افراد در بعد ابراز، هر کدام از زنان مواردی را بیان کردند که در ارتباط برای آنها اهمیت دارد و آن چه آنها را ناراحت می کند، در نتیجه میزان رضایت آنها از رابطه زناشویی افزایش پیدا کرده و از میزان گرایش به طلاق آنها کاسته شد. در بحث روابط زناشویی و وفاداری، زنان گزارش دادند که نسبت به همسر خود احساس تعهد بیشتری دارند. با توجه به نتایج مثبت زوج درمانی سیستمی بوئن در فرهنگ ایرانی، به زنان در جهت بیان هیجاناتی کمک کرد که به نارضایتی و افزایش دلبستگی ایمن در روابط زناشویی منجر شده است، تا با فراموش کردن اشتباهات و صدمات گذشته و تاکید بر نقشی که هیجانات منفی گذشته از رویدادهای زندگی در افزایش رفتارهای کنترل گرایانه بین زوجین دارند در جهت بازسازی راه حل های کارآمد برای بهبود سبک های دلبستگی ایمن در روابط زناشویی استفاده کرد.

همچنین نتایج نشان داد که مشاوره سیستمی بوئن باعث بهبود باورهای غیرمنطقی در زنان آسیب دیده از خیانت همسر شده است. نتایج پژوهش با یافته های (نیلاب و همکاران، ۲۰۱۹؛ هیلی و آلن، ۲۰۲۰) همخوانی دارد. اختلال در روابط زناشویی ناشی از برداشتی است که زن و شوهر درباره رفتار همسر خود دارند و نه خود رفتار. با توجه به این که آموزش مشاوره سیستمی بوئن می تواند منجر به رشد فکری افراد شود و منظور از رشد فکری توانایی شخص در تصمیم گیری عاقلانه است، بنابراین می توان انتظار داشت که این پژوهش، فرصتی باشد تا افراد شرکت کننده در آن، راجع به خود و روابطشان، بیشتر بیاموزند، نگاه متفاوتی به طرز رفتارشان با همسر و فرزندانشان داشته باشند، به طوری که بتوانند مسئولیت مشکلات خودشان را به عهده بگیرند و از سرزنش کردن دیگران و دنبال مقصر گشتن دست بردارند و به نقش های خودشان در مشکلات خانوادگی و فرایندهای میان فردی، پی ببرند. همچنین آموزش رویکرد بوئن می تواند منجر به بهبود باورهای غیرمنطقی و رشد عاطفی نیز شود. بنابراین با آموزش مشاوره سیستمی بوئن و به تبع آن رشد انسجام و پختگی روانی باعث می شود که همسران معایب و نقایص یکدیگر را بپذیرند و آنها را به رخ هم نکشند و در حالت مختلف انعطاف پذیری داشته و واکنش مناسب نشان دهند. در مسائل مختلف زندگی به طور مستقل تصمیم های منطقی گرفته و با افراد با تجربه و صلاحیت دار مشورت کنند، انتقادهای سازنده را در جهت تغییر و اصلاح رفتار خود بپذیرند، احساس تعلق خاطر کنند و بتوانند به دیگران محبت نمایند. از سوی دیگر، مشاوره سیستمی بوئن به زنان کمک می کند تا بین خود و فرزندان، شغل، خانواده مبدا و ... مرزهای روشن و مشخصی را ایجاد نمایند و سعی کنند تا با رسیدگی به نیازهای خود و جلوگیری از دخالت اطرافیان در زندگی مشترک و گرفتن تصمیمات مستقل، زمینه را برای رضایت بیشتر و بهبود باورهای غیرمنطقی در زندگی زناشویی خویش فراهم آورند.

از جمله محدودیت‌های این پژوهش محدود بودن نمونه مورد بررسی از زنان مواجه شده با خیانت همسر است که این تعداد نمی‌تواند معرف خوب و کافی برای جامعه باشد. بنابراین تعمیم دادن نتایج فقط به جامعه موردنظر منطقی و

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-17]

امکان‌پذیر است، و برای سطوح دیگر باید با رعایت احتیاط این کار را انجام دهیم. از محدودیت های دیگر این پژوهش می توان به استفاده از روش نمونه گیری در دسترس به علت محدود بودن امکانات و دشواری اجرای پژوهشی گسترده با روش نمونه گیری کاملا تصادفی در رابطه با موضوع این پژوهش اشاره کرد که موجب سوگیری ناخواسته در نتایج بدست آمده می شود. پیشنهاد می‌گردد در پژوهش‌های آتی آموزش به صورت زوجی و با مشارکت زن و شوهر در دوره های آموزشی باشد. پیشنهاد می‌گردد که شرکت‌کنندگان در این پژوهش پس از دریافت محتوی آموزشی جلسات قادر به کسب آن مهارت‌ها باشند. یک دلیل بر این مدعا این است که در مرحله پس‌آزمون نه‌تنها باورهای غیرمنطقی خانم‌ها بهبود یافته بود، بلکه سطح سلامت روان نیز از بهبود قابل‌ملاحظه‌ای برخوردار گردید. بنابراین با توجه به این‌که خیانت از مسائل دردناکی است که در سال‌های اخیر به بسیاری از خانواده‌ها، صدمات جبران‌ناپذیری وارد کرده است، لازم است پژوهشکده‌های زنان، آموزش‌وپرورش، خانه‌های سلامت شهرداری، دانشگاه‌ها، سازمان ملی جوانان در جهت‌گیری پژوهش‌های خود به این امر توجه ویژه‌ای مبذول کنند تا زمینه پیشگیری از آن فراهم آید.

منابع

کارگر خرم‌آبادی، حکمت.، خدابخش، محمدرضا.، و کیانی، فریبا. (۱۳۹۵). اثربخشی مشاوره گروهی بخشش محور مبتنی بر دیدگاه اسلامی بر ترمیم رابطه زناشویی بعد از خیانت همسر. *مجله اخلاق پزشکی*، ۱۰ (۳۸)، ۳۶-۲۹.

میعادی، ه. (۱۳۹۴). *اثربخشی آموزش مبتنی بر درمان راه‌حل مدار بر باورهای ارتباطی زناشویی زنان متأهل*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه خوارزمی.

Alzeer, S. M., Michailidou, M. I., Munot, M., & Kyranides, M. N. (2019). Attachment and parental relationships and the association with psychopathic traits in young adults. *Personality and Individual Differences*, *151*, 109499.

Balkis, M., & Duru, E. (2019). Procrastination and rational/irrational beliefs: A moderated mediation model. *Journal of Rational-Emotive & Cognitive-Behavior Therapy*, *37*(3), 299-315.

Buschmann, T., Horn, R. A., Blankenship, V. R., Garcia, Y. E., & Bohan, K. B. (2018). The relationship between automatic thoughts and irrational beliefs predicting anxiety and depression. *Journal of Rational-Emotive & Cognitive-Behavior Therapy*, *36*(2), 137-162.

Chan, H. W. Q., & Sun, C. F. R. (2021). Irrational beliefs, depression, anxiety, and stress among university students in Hong Kong. *Journal of American College Health*, *69*(8), 827-841.

Chrysidis, S., Turner, M. J., & Wood, A. G. (2020). The effects of REBT on irrational beliefs, self-determined motivation, and self-efficacy in American Football. *Journal of Sports Sciences*, *38*(19), 2215-2224.

Crouch, E., & Dickes, L. (2016). Economic repercussions of marital infidelity. *International Journal of Sociology and Social Policy*, *36*(1/2), 53-65. P 8

Davies, A., Nouruzi, S., Ganguli, D., Namekawa, T., Thaper, D., Linder, S., ... & Zoubeidi, A. (2021). An androgen receptor switch underlies lineage infidelity in treatment-resistant prostate cancer. *Nature Cell Biology*, *23*(9), 1023-1034.

Goldenberg, I. & Goldenberg, H. (2013). Family Therapy. Translation: Hoseinshahi Baravati, H.R. Naqshbandi, S. & Arjomand, E. Tehran: Ravan Publishing, 12th Edition. [Persian]

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-17]

Haghani, M., Abedi, A., Fatehizade, M., & Aghaei, A. (2019). A Comparison of the Effectiveness of Combined Systemic Couple Therapy (Bowen) and Emotion-focused Therapy (Johnson) Packages and Integrated Couple Therapy on the Quality of Marital Life of Couples Affected by Infidelity. *Sadra Medical Journal*, *8*(1), 11-28.

Harris, C. (2018). *Characteristics of Emotional and Physical Marital Infidelity That Predict Divorce* (Doctoral dissertation, Alliant International University).

Healy, R. W., & Allen, L. R. (2020). Bowen family systems therapy with transgender minors: A case study. *Clinical Social Work Journal*, *48*(4), 402-411.

Hocking, E. C., Simons, R. M., & Surette, R. J. (2016). Attachment style as a mediator between childhood maltreatment and the experience of betrayal trauma as an adult. *Child abuse & neglect*, *52*, 94-101.

Josephs, L. (2018). *The dynamics of infidelity: Applying relationship science to psychotherapy practice*. American Psychological Association.

Karkhaneh, P., Farhang, M., Jazayeri, R., Soleimani, R., Bahrami, F., & Fatehizade, M. (2016). The Study of the effectiveness of the Bowen self-differentiation counseling on marital conflicts on married women in Isfahan. *Life*, *50*, 12.

Lichtenstein, M. B., Nielsen, R. O., Gudex, C., Hinze, C. J., & Jørgensen, U. (2018). Exercise addiction is associated with emotional distress in injured and non-injured regular exercisers. *Addictive behaviors reports*, *8*, 33-39.

McCarthy, F. P., & Taylor, L. C. (2015). Prevalence and predictors of alcohol use during pregnancy: findings from international multicentre cohort studies. *BMJ open*, *5*(7), e006323.

Messina, K. C., Kolbert, J. B., Bundick, M. J., Crothers, L. M., & Strano, D. A. (2018). The impact of counseling on Bowen's differentiation of self. *The Family Journal*, *26*(2), 150-155.

Mojarrad, A., Ghamarigivi, H., & Kiani, A. (2019). Effectiveness Bowen Systemic Consulting on forgiveness and marital burnout in maladaptive women. *Quarterly Journal of Women and Society*, *9*(36), 275-290.

Nilab, R., Ghanbari Hashem Abadi, B., & Kimiaee, S. (2019). The Effectiveness of Bowen's Approach on Self-Differentiation and Marital Satisfaction among Turkish and Turkmen Women. *Research in Clinical Psychology and Counseling*, *9*(1), 34-50.

Oke, O. P. (2018). The Socio Religious Significance of Edi Festival Song in Controlling Marital Infidelity in Traditional Marriage Institution in Oriigbo Meje, Osun state Nigeria. *Global Journal of Human-Social Science Research*.

Simpson, J. A., & Rholes, W. S. (2017). Adult attachment, stress, and romantic relationships. *Current opinion in psychology*, *13*, 19-24.

Witvliet, C. V., Hofelich Mohr, A. J., Hinman, N. G., & Knoll, R. W. (2015). Transforming or restraining rumination: The impact of compassionate reappraisal versus emotion suppression on empathy, forgiveness, and affective psychophysiology. *The Journal of Positive Psychology*, *10*(3), 248-261.

Yektatalab, S., Seddigh Oskouee, F., & Sodani, M. (2017). Efficacy of Bowen theory on marital conflict in the family nursing practice: A randomized controlled trial. *Issues in mental health nursing*, *38*(3), 253-260.

Žeželj, I., & Lazarević, L. B. (2019). Irrational beliefs. *Europe's journal of psychology*, *15*(1), 1.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-17]

The Effectiveness of Boen's Systemic Family Therapy on Attachment Styles and Irrational Beliefs of Women Faced with Infidelity

Atefeh Maleklou[1]

Abstract

The present study was conducted with the aim of investigating the effectiveness of Boen's systemic family therapy on attachment styles and irrational beliefs in women affected by the infidelity of their husbands in Tehran in 1401. The method of the current research is semi-experimental and a pre-test-post-test plan with a control group was used to collect data. The statistical population of the research was made up of all the women faced with infidelity by their husbands who went to the counseling centers of the 7th district of Tehran, and among them, 30 people were randomly selected in the experimental group (15 people in each group) and control. (15 people) were appointed. The experimental group of Bowen Systemic Family Therapy was trained for 8 sessions of 90 minutes, and the control group remained on the waiting list. The tools used in the current research included the attachment styles questionnaire (Collins and Reed, 1990) and the irrational beliefs questionnaire (Jones, 1969), which were used in two phases, pre-test and post-test. The analysis of the information obtained from the implementation of the questionnaire was done through the SPSS24 software in two descriptive and inferential sections (analysis of covariance). The findings showed that the secure attachment style score of the experimental group had a significant increase of 48% compared to the control group, and there was a significant decrease in the insecure/ambivalent and avoidant styles, with an effect of 15% and 12%, respectively. Also, the results showed that Bowen's systemic family therapy has improved helplessness towards change, expectation of approval from others, avoidance of problems and emotional irresponsibility of women faced with infidelity. These results can be a support for using Bowen's systematic counseling method in reducing irrational beliefs and increasing the level of secure attachment in women faced with infidelity, so that in addition to preventing the collapse of the family foundation, it improved marital relations.

Key words: attachment styles, irrational beliefs, Boen's systemic family therapy, betrayal

1 Master of Counseling, Islamic Azad University, South Tehran Branch, Tehran, Iran (corresponding author)

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-17]